

مقایسه الگوهای فرزندپروری در بین خانواده‌های نظامی و غیر نظامی

صغری باقرپور کماجالی^{۱*}، M.S.، هادی بهرامی احسان^۲، Ph.D.، علی فتحی آشتیانی^۱، Ph.D.،
خدابخش احمدی^۱، Ph.D.، علی اصغر احمدی^۲، Ph.D.

آدرس مکاتبه: *دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، مرکز تحقیقات علوم رفتاری

تاریخ اعلام وصول: ۸۵/۴/۲۶ تاریخ دریافت مقاله اصلاح شده: ۸۵/۱۰/۱۳ تاریخ اعلام قبولی: ۸۵/۱۰/۲۷

خلاصه

مقدمه: خانواده‌هایی که در آنها پدر نظامی است، خانواده‌های نظامی نامیده می‌شوند و گفته می‌شود که در این خانواده‌ها میزان و نوع ارتباط بین والدین و فرزندان متفاوت است. بر این اساس پژوهش حاضر به منظور مقایسه الگوهای فرزندپروری در بین فرزندان خانواده‌های نظامی و غیرنظامی انجام شد.

مواد و روش کار: یک نمونه ۴۰۰ نفری از دانش آموزان سال سوم راهنمایی منطقه چهار تهران، از بین فرزندان دختر و پسر خانواده‌های نظامی و غیرنظامی به طور تصادفی انتخاب شده، به پرسشنامه ۲۸ سؤالی سلامت روانی گلدبرگ همراه با پرسشنامه اطلاعات شخصی پاسخ دادند. ۸۰۰ والد این دانش آموزان نیز به پرسشنامه الگوهای فرزندپروری بامریند پاسخ دادند.

نتایج: نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان والدین با الگوهای فرزندپروری هماهنگ، بیش از سلامت روانی و موفقیت تحصیلی والدین با الگوهای فرزندپروری ناهماهنگ می‌باشد. موفقیت تحصیلی فرزندان با سن مادر رابطه مثبت و معنادار داشت، ولی بین والدین نظامی و غیرنظامی تفاوت معناداری یافت نشد. همچنین بین الگوهای فرزندپروری والدین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود نداشت.

بحث: در خانواده‌های نظامی الگوهای فرزندپروری مشابه جامعه است، همچنین نتایج بیانگر آن بود که والدین بیشتر از سبک تربیتی قاطع و اطمینان بخش استفاده می‌کنند. این نکته نشان می‌دهد که در جامعه کنونی ما، افزایش اطلاعات والدین به خصوص پدران نظامی باعث آگاهی آنها نسبت به سبک تربیتی در مورد فرزندانشان می‌شود و منجر به اتخاذ بهترین سبک تربیتی در آنها می‌گردد.

واژگان کلیدی: شیوه فرزندپروری، سلامت روانی، موفقیت تحصیلی، خانواده‌های نظامی.

مقدمه

سلامتی و عدم ارضای آنها به بیماری و آسیب منجر می‌شود. ایجاد تضاد بین این نیازهای بنیادین از سوی والدین، احساس خوشبختی را تأمین نمی‌کند. فعالیت و کنجکاوی طبیعی در انسان به شرایط محیطی بستگی دارد که نیاز به خودمختاری و شایستگی

بر اساس تحقیقات تجربی سه نیاز روانشناختی اساسی شناخته شده است: ارتباط، شایستگی و خودمختاری. این نیازهای بنیادین سطحی از انرژی را فراهم می‌سازند که ارضای آنها موجب

۱- دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، مرکز تحقیقات علوم رفتاری

۲- دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

می‌سازند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودک در رد یک رهنمود از خود نشان می‌دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می‌جویند [۵]. کودکان والدین مقتدر در مقیاسهایی همچون فعال بودن، اعتقاد به خود، استقلال رأی یا خودداری، رتبه‌های بالایی را به خود اختصاص می‌دهند. این کودکان واقع‌گرا، با کفایت و خشنود هستند. والدین سهل‌گیر در ابعاد کنترل و خواسته‌های معتدل در پایین‌ترین سطح هستند و در مهرورزی حد وسط الگوهای موجود را دارند. والدین سهل‌گیر در عین حالی که به ظاهر نسبت به کودکان خود حساس هستند، اما توقع چندانی از آنها ندارند. فقدان خواسته‌های معقول همراه با خودداری از ارائه دلیل و درگیری با کودک، همواره از ویژگیهای این شیوه به شمار می‌رود. کودکان والدین سهل‌گیر از اتکای به خود، خودداری می‌کنند یا از استقلال رأی اندکی برخوردارند. این کودکان به صورت افرادی نسبتاً ناپخته توصیف شده‌اند که هنگام مواجهه با نامالیقات، تمایل به واپس روی دارند [۵].

در شیوه رفتاری مستبد نمایش قدرت والدین اولین عاملی است که این شیوه را از دو شیوه دیگر متمایز می‌سازد. این والدین بسیار پرتوقع بوده، پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند. در میان سه الگوی تربیتی، الگوی مستبد کمترین مهرورزی را اعمال می‌کند و به ندرت از تقویت مثبت استفاده می‌نماید. این والدین برای کنترل کودکان خود از شیوه ایجاد ترس استفاده می‌کنند. کودکان والدین مستبد نسبت به کودکان والدین قاطع و اطمینان بخش در برقراری رابطه با هم‌ها و احراز موضع فعال و نیز استقلال رأی در رتبه‌های پایین‌تر قرار می‌گیرند [۵].

شیوه‌های فرزندپروری دارای ابعادی است که لازم است این ابعاد هماهنگ باشند. در این میان چهار بعد آن بیشتر اهمیت دارد که عبارتند از کنترل، عشق، ارتباط و مسؤولیت [۶]. کنترل به معنای داشتن قوانین و چهار چوب‌ها و نظارت بر اجرای آنهاست. نکته مهم وجود اتفاق نظر پدر و مادر در مورد قوانین و اجرای عملی از سوی آنها می‌باشد. بعد دوم شیوه فرزندپروری عشق و محبت است، محبت لازمه رشد عاطفی کودک است و عدم وجود محبت در تعاملات والدین و فرزندان باعث ایجاد مشکلات روانی

را تقویت و حمایت کرده، تسهیل‌کننده انگیزش درونی می‌باشد. حمایت و ارضای نیاز به ارتباط، به حس شایستگی کمک می‌کند و خود مختاری به تسهیل فرایند درون سازی و انسجام یاری می‌رساند. پس به طور کلی محیطهای کنترل‌کننده یا نه چندان چالش برانگیز و فاقد ارتباط صمیمی، از ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی و تمایلات طبیعی انسان جلوگیری می‌کند و در مقابل، محیطهایی که در جهت ارضای این نیازها هستند، تحول مناسبی ایجاد نموده، به سلامتی روانی منجر می‌شوند [۱].

بسیاری از محققین، ویژگیهای عمومی رفتار والدین - کودک را در سه بعد تعریف نموده‌اند. این ابعاد عبارتند از:

الف. گرمی^۱: والدین با محبت به نیازها و علایق کودکان خود، بیش از نادیده انگاشتن و محروم کردن او پاسخ می‌دهند.

ب. نظارت و کنترل^۲: والدین دارای این بعد رفتاری مایلند از نزدیک کودکان خود را نظاره کنند؛ معیارهای قاطعی برای رفتار دارند که از فرزندان انتظار عملی کردن آنها را دارند ولی لزوماً آنها را تنبیه نمی‌کنند [۲].

ج. درگیر بودن^۳: والدین دارای این بعد تنها قادر هستند نگرشها و رفتار کودکان خود را توصیف کنند و از لحاظ نگرشی کودک محورند [۳].

با توجه به ابعاد رفتاری «گرمی و کنترل» بامریند (۱۹۹۱) سه نوع الگوی رفتاری والدین را ارائه نمود: الف. الگوی رفتاری قاطع و اطمینان بخش^۴؛ ب. الگوی رفتاری مستبد^۵؛ ج. الگوی رفتاری سهل‌گیر^۶. والدین دارای الگوی رفتاری قاطع و اطمینان بخش در امر تربیت کودک خود کنترل و گرمی زیاد، والدین مستبد کنترل زیاد و گرمی کم، والدین سهل‌گیر کنترل کم و گرمی زیاد اعمال می‌نمایند [۴].

تحلیل رفتار کودک و والدین سه شیوه تعاملی متمایز را آشکار ساخت، قاطع و اطمینان بخش، سهل‌گیر و مستبد. در الگوی اول والدین واقعیتهای و بینشهای شناختی را به کودکان خود منتقل

¹ - Warmith

² - Control

³ - Involvement

⁴ - Authoritative

⁵ - Authoritarian

⁶ - Permissive

دستیابی به معیارهای رفتاری، معمولاً باعث تنبیه‌های خشن و نامالایم می‌شود. اعمال زور، به کار بردن تنبیه‌های بدنی، خشونت یا محرومیت از مزایا، شکل‌هایی از تنبیه و کنترل غیر مؤثر است. وقتی والدین برای کنترل فرزندانشان از اعمال زور استفاده می‌کنند بر توانایی‌شان در تنبیه کودکان و ترس کودکان از تنبیه تکیه می‌نمایند. این گونه والدین نه دلایلی را برای قوانین و معیارهای رفتاری توضیح می‌دهند و نه برای تنبیه. این والدین می‌توانند در کوتاه مدت از طریق اعمال زور و خشونت کودکان را وادار به اطاعت نمایند و نتیجه بگیرند. ولی در بلند مدت، کاربرد این روشها اثرات منفی دائمی را در پی خواهد داشت و به خصوص از درونی شدن معیارهای پایدار اخلاقی جلوگیری خواهد کرد [۸]. خشونت و بی‌توجهی والدین علاوه بر تأثیر بر تعامل‌های اجتماعی فرزندان بر بروز مشکلات روانی و عاطفی نیز تأثیرگذار است. چنانچه الگوی تربیتی مستبدانه با بروز علائم افسردگی و اضطراب دوره نوجوانی [۹]، بروز رفتارهای ضداجتماعی مثل مصرف الکل و مواد مخدر رابطه دارد [۱۰].

خانواده‌هایی که در آنها پدر نظامی است، خانواده‌های نظامی نامیده می‌شوند و گفته می‌شود که در این خانواده‌ها میزان و نوع ارتباط بین والدین و فرزندان متفاوت است [۱۱]. اکنون با توجه به آنچه گفته شد این پرسش مطرح می‌گردد که آیا بین سبک‌های تربیتی والدین نظامی و غیرنظامی تفاوتی وجود دارد؟ ناهماهنگی در سبک‌های تربیتی چه پیامدهای روانشناختی در فرزندان به همراه دارد؟ این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این پرسشها بود.

مواد و روش کار

روش تحقیق، روش مقایسه‌ای گذشته‌نگر بود و طی آن در بهار سال ۱۳۸۳ فرزندان دختر و پسر خانواده‌های نظامی و غیرنظامی که در پایه دوم و سوم راهنمایی در شهر تهران مشغول به تحصیل بودند، مورد مطالعه قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری روش چند مرحله‌ای بود. با توجه به این که بخش زیادی از کارکنان نظامی در منطقه ۴ آموزش و پرورش شهر تهران ساکن بودند، این منطقه انتخاب گردید و از بین دانش آموزان پایه دوم و سوم راهنمایی دو مدرسه دخترانه و پسرانه، که در آن فرزندان دانش آموز وابسته به

می‌گردد. محبت بیش از حد نیز باعث لوس شدن فرزند می‌شود. بنابراین والدین باید موضوع اعتدال را رعایت کنند. بعد سوم برقراری ارتباط است. منظور از ارتباط، ایجاد درک و فهم و تفاهم در تعاملات والد-کودک است، یعنی ارتباط به صورت صریح و آشکار باشد. بعد چهارم شیوه فرزندپروری، واگذاری مسؤولیت است. برای این که والدین در آینده کودکانی مسؤولیت‌پذیر داشته باشند، باید از زمانی که کودک توانایی‌هایی پیدا کرد، مسؤولیت‌هایی از او بخواهند که شامل مسؤولیت‌های فردی و جمعی باشد. مسؤولیت فردی کودک، یعنی خود کودک غذا بخورد و مسؤولیت جمعی یعنی از ۴ یا ۵ سالگی در کارهای خانه از او کمک بگیرند [۶]. در بررسی رابطه بین میزان خودفرمانی شغلی (یعنی میزان استقلال، مهارت‌های پیچیده و فقدان روزمره شدن شغل) و انعطاف‌پذیری فکری پدران که از طریق آزمون‌های شناختی اندازه‌گیری شد و همچنین جمع‌آوری گزارش‌هایی از ارزشها و شیوه‌های تربیتی پدران نشان داد که مردان متعلق به طبقه کارگر که با خودمختاری کمتری در شغل خود سروکار داشتند، بر اهمیت فرمانبرداری در فرزندشان تأکید داشتند و عواقب رفتار کودکان را به جای اهداف آنها مدنظر قرار می‌دادند. مردان طبقه متوسط که در شغل خود از خودفرمانی بیشتری برخوردار بودند، در فرزندانشان به خویشتنداری، استقلال و ابتکار اهمیت می‌دادند. به علاوه هر چه بیشتر پدران در محل کار مورد نظارت قرار می‌گرفتند، راغبتر بودند که در مورد فرزندشان در خانه از تنبیهات بدنی استفاده کنند. کارگران با همسران و فرزندان خود همان گونه رفتار می‌کنند که کارفرمایان با آنها رفتار می‌کردند و انتظار فرمانبرداری، اطاعت و خدمت داشتند. موقعیتهای کاری اجباری و فشارآور ممکن است به جهان‌بینی محدودی با ارزشها، معیارها و انتظارات انعطاف‌ناپذیر مبتنی بر قدرت و عدم سازگاری منجر شود و انعکاس آنها را در شیوه‌های استبدادی می‌توان دید [۷].

در نظر گرفتن انتظارات بالا برای رفتار کودکان، در عین حال عدم آموزش لازم و فراهم کردن شرایط لازم برای به دست آوردن این انتظارات، نمی‌تواند باعث اجتماعی شدن موفق و رفتارهای مطلوب در کودکان شود. توقعات بالا بدون آموزش لازم جهت

مدل ساده لیکرت (با نمره های ۳ و ۲ و ۱ و ۰) برای گزینه‌های مواد پرسشنامه است. نمره ۲۳ و بالاتر نشانگر عدم سلامت عمومی و نمره پایینتر از ۲۳ بیانگر سلامت عمومی می‌باشد [۱۳].

گلد برگ (۱۹۷۹) فرم ۲۸ ماده‌ای پرسشنامه مورد نظر را مطرح نمود [۱۴]. نتایج فرا تحلیل گلد برگ (۱۹۷۹) نشان داد که متوسط حساسیت آن برابر با ۸۴٪ (بین ۷۷٪ تا ۸۹٪) می‌باشد [۱۵]. در مطالعه مقدماتی نیز روایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت؛ برای این کار، کلیه افرادی که در مطالعه مقدماتی پرسشنامه GHQ را تکمیل کرده بودند جهت مصاحبه روانپزشکی دعوت شدند و سپس حساسیت پرسشنامه محاسبه شد [۱۵]. چونگ^۹ در مطالعه‌ای بدین نتیجه دست یافت که ضریب اعتبار شکل ۲۸ سؤالی این پرسشنامه به روش بازآزمایی برای کل آزمون برابر ۵۵/۰ و برای مقیاسهای نشانه‌های جسمانی ۴۴/۰، برای اضطراب ۴۶/۰، برای نارسا کنش‌وری اجتماعی ۴۲/۰ و برای افسردگی ۴۷/۰ می‌باشد [۱۶]. این پرسشنامه در یک گروه نمونه دانشجویی با تعداد ۲۲۳ نفر توسط جان بزرگی (۱۳۷۹) مورد استفاده قرار گرفت و ضریب اعتبار آن بر اساس آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۴ محاسبه گردید [۱۳].

برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌ها و روشهای آمار توصیفی مانند میانگین، فراوانی و ضریب همبستگی و آمار استنباطی از قبیل آزمون t گروههای مستقل و آزمون مجذور خی استفاده شد.

نتایج

بررسی داده‌های توصیفی نشان داد که میانگین سن مادر ۳۸ سال می‌باشد که در دامنه ۲۵-۵۹ سال قرار دارد و میانگین سن پدر ۴۵ سال می‌باشد که در دامنه ۳۴-۶۹ سال قرار دارد، ۲۰۲ نفر (۵۰/۵ درصد) پدران با تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم، ۱۵۰ نفر (۳۷/۵ درصد) لیسانس و ۴۸ نفر (۱۲ درصد) فوق لیسانس بودند؛ ۳۶۰ نفر (۹۰ درصد) مادران با تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم و ۴۰ نفر (۱۰ درصد) لیسانس بودند.

جهت بررسی ضرورت هماهنگی بین والدین در شیوه فرزندپروری میانگین نمرات سلامت روانی فرزندان با الگوی فرزندپروری

خانواده‌های نظامی تحصیل می‌کردند، ۲۵۰ نفر دانش آموز (۱۲۵ دختر و ۱۲۵ پسر) انتخاب شدند. سپس از این منطقه دو مدرسه راهنمایی (دخترانه و پسرانه) که در آن فرزندان دانش آموز وابسته به خانواده‌های غیرنظامی تحصیل می‌کنند، انتخاب گردید و از بین دانش آموزان دختر و پسر پایه دوم و سوم راهنمایی ۲۵۰ نفر (از هر جنس ۱۲۵ نفر) انتخاب شدند. از بین ۵۰۰ پرسشنامه جمع‌آوری شده از هر گروه تعداد ۴۸۰ پرسشنامه فرزندان و تعداد ۴۳۰ پرسشنامه مربوط به والدین (با هماهنگی مدرسه در جلسه اولیاء و مربیان دعوت به همکاری شدند) که به طور کامل تکمیل شده بود، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ملاک ارزیابی موفقیت تحصیلی، معدل نیمسال قبل بود.

ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات عبارت بودند از:

الف. پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه سهل‌گیر، ۱۰ ماده به شیوه مستبد و ۱۰ ماده دیگر به شیوه قاطع و اطمینان بخش در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. در این پژوهش آزمودنیها با مطالعه هر ماده نظر خود را بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کردند. این پرسشنامه توسط بامریند در سال ۱۹۹۱ بر اساس نظریه وی ساخته و در سال ۱۳۷۴ توسط اسفندیاری به فارسی ترجمه شد. میزان اعتبار این مقیاس در تحقیق اسفندیاری (۱۳۷۴) برای شیوه سهل‌گیری ۰/۶۹، برای شیوه مستبد ۰/۷۷ و برای شیوه قاطع و اطمینان‌بخش ۰/۷۳ به دست آمد. بامریند (۱۹۹۱) میزان اعتیاد^۷ این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سهل‌گیر، ۰/۸۵ برای مستبد و ۰/۹۲ برای الگوی قاطع و اطمینان‌بخش پدران گزارش نمود. همچنین وی در مورد میزان روایی^۸ پرسشنامه این نتایج را گزارش نمود: مستبد بودن مادر رابطه معکوس با سهل‌گیری (۰/۵۰) و اقتدار منطقی او (۰/۵۲) دارد [۱۲].

ب. پرسشنامه سلامت عمومی. پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) دارای چهار مقیاس است که هر کدام از مقیاس‌ها ۷ سوال دارد. بهترین و مناسب‌ترین روش نمره گذاری استفاده از

^۷ -Reliability

^۸ - Validity

^۹ Chong

همانگ و ناهمانگ مورد مقایسه قرار گرفت و بدین منظور از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد (جدول ۱).

جدول ۱: بررسی تفاوت میانگین نمرات سلامت روانی فرزندان دو گروه والدین با الگوی فرزندپروری همانگ و ناهمانگ

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
سلامت روانی فرزندان والدین با سبک همانگ	۲۰/۷۵	۱۲/۱۲	۷/۶۱۵	۳۹۸	۰/۰۰۰۱
سلامت روانی فرزندان والدین با سبک ناهمانگ	۳۲/۱۷	۹/۲۰	۹/۰۴۰		

جدول ۲: بررسی تفاوت میانگین نمرات موفقیت تحصیلی فرزندان دو گروه والدین با الگوی فرزندپروری همانگ و ناهمانگ

شاخص متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
موفقیت تحصیلی فرزندان والدین با سبک همانگ	۱۸/۴۲	۱/۳۲	۸/۷۱۰	۳۹۸	۰/۰۰۰۱
موفقیت تحصیلی فرزندان والدین با سبک ناهمانگ	۱۷/۳۰	۱/۴۷	۷/۴۱۵		

جدول ۳: میزان فراوانی و آزمون مجذور خی برای مقایسه تعداد مادران خانواده های نظامی و غیرنظامی در الگوهای فرزندپروری سهل گیر، استبدادی و قاطع و اطمینان بخش

الگوهای فرزندپروری مادران			نوع خانواده	
سهل گیر	استبدادی	قاطع و اطمینان بخش	تعداد	درصد
۴۴	۴۰	۱۱۶		
۲۲	۲۰	۵۸		
۴۲	۳۳	۱۲۵		
۲۱/۱	۱۶/۵	۶۲/۸		
$P < ۰/۵۹$	$Df = ۲$	$\chi^2 = ۱/۰۵۴$		

جدول ۴: میزان فراوانی و آزمون مجذور خی برای مقایسه پدران نظامی و غیرنظامی در الگوهای فرزندپروری سهل گیر، استبدادی و قاطع و اطمینان بخش

الگوهای فرزندپروری پدران			نوع خانواده	
سهل گیر	استبدادی	قاطع و اطمینان بخش	تعداد	درصد
۴۲	۳۳	۱۲۵		
۲۱	۱۶/۵	۶۲/۵		
۳۸	۳۶	۱۲۶		
۱۹	۱۸	۶۳		
$P < ۰/۸۴۶$	$Df = ۲$	$\chi^2 = ۰/۳۳۴$		

فرزندان با الگوی فرزندپروری همانگ می‌باشد؛ این تفاوت از نظر آماری معنی دار می‌باشد ($t = ۷/۶۱۵$ ، $p < ۰/۰۰۰۱$). همچنین میانگین نمرات موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوی فرزندپروری همانگ و ناهمانگ مورد مقایسه قرار گرفت و

همانطور که ملاحظه می‌شود میانگین سلامت روانی فرزندان با الگوی فرزندپروری همانگ ($X = ۲۰/۷۵$)، از میانگین سلامت روانی فرزندان والدین با الگوی فرزندپروری ناهمانگ ($X = ۳۲/۱۷$)، کمتر است (که نشانه سلامت روانی بیشتر در

افسرده زاپنی و یک گروه عادی طبقه‌بندی نمود و به این نتیجه رسید که افرادی که در معرض شیوه‌های آشفته فرزندپروری قرار می‌گیرند، در معرض خطر بالایی جهت ابتلا به افسردگی قرار دارند [۱۷]. تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان والدین مقتدر در مقیاس‌هایی همچون فعال بودن، اعتقاد به خود، استقلال رأی یا خودداری، رتبه‌های بالایی را به خود اختصاص می‌دهند. این کودکان واقع‌گرا، با کفایت و خشنود توصیف شده‌اند. کودکان والدین سهل‌گیر از اتکای به خود، خودداری می‌کنند یا از استقلال رأی اندکی برخوردارند. این کودکان به صورت افرادی نسبتاً ناپخته توصیف شده‌اند که هنگام مواجهه با نامالایمات، تمایل به واپس روی دارند. کودکان والدین مستبد نسبت به کودکان والدین قاطع و اطمینان‌بخش در برقراری رابطه با همتاها و احراز موضع فعال و نیز استقلال رأی در رتبه‌های پایین‌تر قرار می‌گیرند [۶].

ملاحظه شد که بین الگوهای فرزندپروری در خانواده‌های نظامی و غیرنظامی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. نتایج این تحقیق نشان داد که والدین نظامی به همان نسبت والدین غیرنظامی از الگوهای فرزندپروری مختلف استفاده می‌کنند و این تحقیق نشان می‌دهد که هر دو گروه بیشتر از شیوه‌های فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش استفاده می‌کنند. این در حالی است که تحقیقات پیشین انجام شده در زمینه الگوهای فرزندپروری والدین نظامی خلاف این مطلب را نشان می‌دهد. به طور مثال در یک تحقیق که توسط انصاری نژاد (۱۳۸۰) انجام گرفت، نتایج نشان داد که نظامیان نسبت به گروه غیرنظامی، از شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیر، بیشتر استفاده می‌کنند [۱۸]. یک مطالعه نشان داد حمایت‌ها و استرس‌های جبران‌ناپذیری را که خانواده‌های نظامی تجربه می‌کنند شامل جدایی‌ها، دوری‌ها و تغییر مکان‌های فراوان و سلسله مراتب انعطاف‌ناپذیر، تبیینی برای عدم توازن خانواده‌های نظامی می‌باشد. زیرا به هر تقدیر بر افراد نظامی و خانواده آنان فشار می‌آورد [۱]. همچنین ۷۹۲ کودک و نوجوان در کلینیک مخصوص نظامیان در یک دوره دو ساله مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها نشان داد به دلیل سیستم استبدادی و سخت خانواده‌های نظامی، بروز اختلالات رفتاری در این مرکز از مرکز بهداشت روانی غیر نظامی بیشتر است [۱۹].

بدین منظور از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد (جدول ۲). همان طور که ملاحظه می‌شود میانگین موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوی فرزندپروری هماهنگ ($X=18/42$) از میانگین موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوی فرزندپروری ناهماهنگ ($X=17/03$) بیشتر است و این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($p < 0/0001, t = 8/71$). برای مقایسه الگوهای فرزندپروری در خانواده‌های نظامی و غیرنظامی نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری در دو قسمت مجزا (برای پدران و برای مادران) بررسی شد. نتایج نشان داد که تعداد مادران متعلق به خانواده‌های نظامی با الگوهای فرزندپروری سهل‌گیر ۴۴ نفر (۲۲٪)، استبدادی ۴۰ نفر (۲۰٪) و قاطع و اطمینان‌بخش ۱۱۶ نفر (۵۸٪) می‌باشد. همچنین تعداد مادران متعلق به خانواده‌های غیرنظامی با الگوهای فرزندپروری سهل‌گیر ۴۲ نفر (۲۱٪)، استبدادی ۳۳ نفر (۱۶٪) و قاطع و اطمینان‌بخش ۱۲۵ نفر (۶۲٪) می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون مجذور خی نشان داد که تفاوتی بین الگوهای فرزندپروری مادران خانواده‌های نظامی و غیرنظامی وجود ندارد ($p = 0/59$), این بدان معنی است که مادران خانواده‌های نظامی به همان نسبت مادران خانواده‌های غیرنظامی از شیوه‌های فرزندپروری مختلف استفاده می‌کنند. همچنین ملاحظه شد که تعداد پدران نظامی با الگوهای فرزندپروری سهل‌گیر ۴۲ نفر (۲۱٪)، استبدادی ۳۳ نفر (۱۶/۵٪) و قاطع و اطمینان‌بخش ۱۲۵ نفر (۶۲/۵٪) می‌باشد. همچنین تعداد پدران غیرنظامی با الگوهای فرزندپروری سهل‌گیر ۳۸ نفر (۱۹٪)، استبدادی ۳۶ نفر (۱۸٪) و قاطع و اطمینان‌بخش ۱۲۶ نفر (۶۳٪) می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون مجذور خی نشان داد که تفاوتی بین الگوهای فرزندپروری پدران نظامی و غیرنظامی وجود ندارد ($p = 0/846$). این بدان معنی است که پدران نظامی به همان نسبت پدران غیرنظامی از شیوه‌های فرزندپروری مختلف استفاده می‌کنند (جدول ۴).

بحث

ساتو^{۱۰} (۱۹۹۷) شیوه‌های آشفته فرزندپروری را بین ۵۱ بیمار

¹⁰-Sato

6- Baumrind D. Current patterns of parental authority. *Developmental psychology Monographs* 1991; 41-101.

۷- غنی‌آبادی خ س. شیوه‌های تربیتی. ماهنامه روانشناسی امروز برای بهتر زیستن ۱۳۸۰؛ ۱۳: ص ۵۲.

۸- هترینگتون. روانشناسی کودک از دیدگاه معاصر. ترجمه طهوریان و دیگران. تهران، آستان قدس رضوی؛ ۱۳۷۳.

۹- صیاد شیرازی م. رابطه بین سبک‌های تربیتی والدین و شکل‌گیری نوع هویت دینی نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی؛ تهران. ۸۳-۱۳۸۲.

10- Loinonen JA, Solantatus TS, Pumamaki R. Parent Mental health a children's adjustment: The Quality of Marital interaction and parenting as Mediating factor. *Child psychology and psychiatry* 2003; 44(2): 224-227.

11- Conger RD, Conger KJ, Elder GHJ, Lorenz FO, Simons RL. A Family process Model of economic hard ship Adjustment of early adolescent boys. *Child development* 2000; 63:526-554.

12- Frances A. Family Structure and Treatment in the Military. *J of Family Process* 2001; 15: 171.

۱۳- اسفندیاری غ ر. بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلال رفتاری کودکان. پایان‌نامه فوق‌لیسانس (چاپ نشده). انستیتو روانپزشکی تهران، ۱۳۷۴.

۱۴- دهقانی ا. بررسی رابطه عزت نفس، مسند مهارگری و سلامت روانی در بین دانش‌آموزان پایه اول متوسطه شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

۱۵- هومن ع. هنجاریابی پرسشنامه سلامت روان در دانشجویان کارشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران. موسسه تحقیقات تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۷۶.

۱۶- دادستان پ. روانشناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی. جلد اول؛ انتشارات سمت. چاپ دوم، ۱۳۸۰.

نتیجه متفاوتی که در این تحقیق به دست آمد را شاید بتوان به این عوامل نسبت داد:

۱- در این تحقیق متغیر تحصیلات کنترل شده بود و هیچ کدام از والدین دارای تحصیلات کمتر از دیپلم نبودند.

۲- افزایش اطلاعات والدین از طریق مطالعه کتاب، روزنامه، رسانه‌ها و آموزشهای مدارس می‌تواند علتی برای به کار بردن روشهای فرزندپروری صحیح توسط آنان باشد.

محدودیتها: حداقل تحصیلات والدین دیپلم بود، بنابراین نتایج فقط به مادران در تهران، با تحصیلات حداقل دیپلم قابل تعمیم است. علی‌رغم اینکه میزان همکاری والدین با مجری خوب بود با این حال محقق ناچار شد در مواقعی از روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت غیر مستقیم یعنی ارسال و دریافت پرسشنامه‌های والدین توسط فرزندان و پست کردن پرسشنامه‌ها استفاده نماید؛ همچنین به دلیل زیاد بودن حجم نمونه فقط از پرسشنامه GHQ برای سنجش سلامت روانی فرزندان استفاده شد.

منابع

1- Ryan RM, Deci EL. Self – determination Theory and the facilitation of intrinsic Motivation ,social Development, and well-being. *Journal American psychologist* 2000; 74-76.

2- Berndt TJ. *Child Development*. London Harout. Brace Jovanovich 1997.

3- Maccoby E, Martin J. Socialization in Context Of The Family Parent. *Child interaction*. In. EM, Hetherington (Ed.), P.H.Mussen Lseriesed, *Handbook of Child Psychology*.

4- Socialization, Personality, and Social Development. New York. Wiley 1992.

5- Lamborn SD, et.al. Patterns of competence and adjustment among adollessens froM authoritative and authoritarian and neglectful faMilies. *Adolesnt psychiatry*. Chin Rititionlin 1991.

ارتش، ۱۳۸۰.

20- Lagrone DM. The military family syndrome. American Psychiatric Association 1999; 135: 1040-1043.

21- Brown JM, Cooper CL. The Demographics of Occupational Stress among police Superintendents. Journal of Manegerical Psychology 1998; 13(1-2): 90-101.

17- Chong WH. Support networks promoting e-health in youth, University of Tasmania, Australia 1994.

18- Sato and et al. Perceived parental styles in a Japanese of depressive disorders. Br-j-psychiatry 2001; 50: 170-173.

۱۹- انصاری نژاد ن.ا. بررسی مقایسه‌ای شیوه فرزندپروری بین نظامیان و غیرنظامیان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه علوم پزشکی